

مراتب اخلاص

ما درباره اخلاص عرض کردیم مراتبی برای اخلاص بیان شده که چهار مرتبه را ما در جلسه گذشته اشاره کردیم. مرتبه اول این بود که عمل، چه عمل قلبی و جوانحی و چه عمل جوارحی، به طور کلی از شائبه رضایت مخلوق و جلب محبت و قلوب مخلوقین پاک شود. اینکه انسان کاری را انجام دهد برای اینکه دیگران سپاس او بگویند، او را ستایش کنند، یا برای اینکه خودش منفعتی ببرد، عمل باید از این چیزها خالی شود. مرتبه دوم اینکه انسان عمل را از مقاصد دنیوی پاک کند ولو به نحو داعی، (نه اینکه خدای نکرده از اول برای دنیا عبادت کند، این از اساس باطل است). یعنی برای خدا عبادت می کند ولی انتظار آثار وضعی عبادت را هم دارد؛ مثلاً نماز شب می خواند برای اینکه رزق و روزی او زیاد شود. عمل باید از این شائبه هم پاک شود. مرتبه سوم این است که عمل را برای درک پادشاهای اخروی مثل حور و قصور و انهار انجام دهد، یعنی جنت جسمانی؛ این هم نباید در عمل انسان دخیل باشد. مرتبه چهارم اینکه عمل و عبادت را انجام دهد برای ترس از عذابهای اخروی؛ چون از عذابهای جهنم می ترسد، برای ترس از آن عذاب عبادت کند؛ این هم نباید باشد. اینها اموری است که تصور آن فوق طور فهم ماست و چه بسا فقط اوحدی از بندگان خدا و اولیاء الهی می توانند به این مراتب برسند.

مرتبه پنجم

مرتبه پنجم این است که انسان عملش را از مقصد وصول به لذات روحانی و سعادات عقلیه هم پاک کند. چون ممکن است انسان خدا را عبادت کند اما برای این عبادت نظرش این نباشد که نظر مردم جلب شود و او را ستایش کنند؛ اصلاً کاری به مردم ندارد؛ از نماز شبی که می خواند اساساً رزق و روزی و اشتها و امثال اینها را در دنیا از خدا نمی خواهد. نماز شبی که می خواند برای این هم نیست که در بهشت و قصرهای آن چنانی از لذت های جسمانی بهره مند شود. نماز شب او برای ترس از عذاب جهنم هم نیست؛ اما ممکن است بگوید که من نماز شب می خوانم که به لذت های روحانی برسم. لذت های روحانی که حتی جزء آمال و آرزوهای ما هم نیست؛ اینکه ما لذات روحانی برای ما مقصد باشد، این خودش بالاتر از بهشت جسمانی است. نماز می خواند و خدا را عبادت می کند برای اینکه به سعادت های عقلی و لذات روحانی برسد؛ یعنی در جرگه ملائکه مقربین قرار گیرد. مرتبه پنجم از اخلاص این است که عملش را از این هم تصفیه کند؛ یعنی حتی وصول به سعادت های عقلیه هم مدنظر او نباشد. این خودش یک مقصد خیلی مهمی است؛ ما اگر به این مقصد برسیم خیلی پیشرفت کرده ایم، خیلی از مخلصین شاید با این مقصد عباداتشان را انجام می دهند. اما در نزد اهل الله و عرفا این مرتبه از اخلاص اگر نباشد، این عبادت ناقص است؛ یعنی حتی باید مسأله سعادات عقلیه هم منظور نظر نباشد.

مرتبه ششم

مرتبۀ ششم این است که در عمل انسان حتی شائبه خوف از فراق و عدم وصول به این لذات هم نباشد. چون ممکن است عمل و عبادت برای این باشد که بین انسان و خدا فراق حاصل نشود؛ از جدایی می‌ترسد، از فراق می‌ترسد؛ از فراق از معبود می‌ترسد. ممکن است شما بگویید اگر عبادت از این هم باید پاک باشد، چطور امیرالمؤمنین (ع) در دعای کمیل می‌فرماید «و کیف اصبر علی فراقک»، این چطور با هم جمع می‌شود؟ این جمله امیرالمؤمنین (ع) که می‌فرماید «کیف اصبر علی فراقک» این از مقامات بسیار معمولی امیرالمؤمنین (ع) است نه اینکه عبادت او برای این باشد. پس مرتبۀ ششم این است که عبادت برای خوف عدم وصول به این لذات و سعادات عقلیه هم نباشد. همین قدر که آدم آفق دیدش را در عبادت و درجه خلوص وسیع کند، این خودش اولین گام برای حرکت است؛ اینکه شما مقصد را یک متر آن طرف‌تر ببینید یا کیلومترها آن طرف‌تر، اینها خیلی متفاوت است.

مرتبۀ هفتم

مرتبۀ هفتم این است که انسان عمل و عبادتش را از مقصد جنت اللقاء هم مبرا و پاک کند؛ چون گاهی ممکن است انسان عملی را انجام دهد برای بهشت لقاء؛ بهشت لقاء خیلی بالاتر از این بهشت است. علمای اخلاق در مورد بهشت و جهنم، اقسام و انواعی به اعتبارات مختلف تصویر کرده‌اند. جنت اللقاء یعنی بهشت لقاء الهی؛ این به حدی مرتبه‌اش بالاست که اصلاً با بهشت معهود و متعارف قابل مقایسه نیست. خیلی‌ها عبادتشان برای جنت اللقاء است، اما می‌فرماید مرتبۀ هفتم اخلاص این است که عمل از این هم مبرا و پاک باشد؛ هر چند این خودش از مقاصد مهمه اهل معرفت است.

مرتبۀ هشتم

مرتبۀ هشتم این است که انسان عمل و عبادتش را از ترس از دست دادن جنت اللقاء هم خالی کنند. یک وقت شوق وصول به جنت اللقاء است، یک وقت خوف از دست دادن جنت اللقاء است.

و اعجب منها اینکه می‌فرمایند بالاتر از این مراتب، مراتب دیگری است که اینجا خیلی جای ذکر آن نیست. آن مراتب کجاست، بالاشاره می‌گویند که از حدود خلوص خارج است و به مرحله توحید و تجرید و ولایت می‌رسد. ولی الله، پیامبر اسلام (ص) و امیرالمؤمنین (ع) به این مرحله می‌رسد که دیگر جنت اللقاء و جهنم الخوف عن اللقاء، اینها را دیگر درنور دیده‌اند و بالاتر از این رفته‌اند. اینها مراتب اخلاص است.

از این مراتب ما تازه مرتبۀ اول را هم نرسیده‌ایم؛ انسان باید تلاش کند. این به معنای نیست که ناامید شود؛ مرتبۀ به مرتبۀ باید این درجه خلوص را بیشتر کرد. آن خلوصی که شرط صحت عمل است، همانی است که در گذشته گفتیم؛ از نظر فقهی اگر عمل بخواهد صحیح باشد، بالاخره باید عبادت را امتتالا لامر الله انجام دهد. اما این امتتالا لامر الله یا قربه الله این خودش یک دایره و دامنه وسیعی دارد. هر چه عمل خالص‌تر باشد و نیت بی‌شائبه‌تر و پاک‌تر باشد، ارزش انسان بالاتر می‌رود و خداوند متعال اعرف موجودات است به نیت ما. ما ممکن است خودمان یا دیگران را فریب دهیم، ولی در

هزارمین لایه روح ما اگر ذره‌ای از این مقاصد غیر خدایی باشد، خدا این را می‌داند. یعنی نمی‌شود چیزی از خداوند مخفی بماند. تمام لایه‌های پنهان روح ما را خداوند می‌بیند و می‌داند؛ شما در حضورِ ناظرِ ریزبینِ دقیقِ تیزبین، می‌خواهید یک عملی را انجام دهید؛ آن وقت به خدا عرض می‌کنیم خدا ما برای تو انجام می‌دهیم. آن وقت خدا چه کار می‌کند؟ این را باید بفهمیم که سر خدا را نمی‌شود کلاه گذاشت؛ سر عالم و آدم را می‌شود کلاه گذاشت، سر خدا را نمی‌شود. باید تلاش کنیم؛ فکر نکنیم که ما بیش از این نمی‌توانیم. باید مواظب باشیم، نیت‌ها و انگیزه‌هایمان را کنکاش کنیم و تا می‌توانیم اعمال‌مان را خالص کنیم. «فاما حق الله الاکبر انک تعبده و لاتشکر به شیئا»، این «لاتشکر به شیئا» تا حدودی معنا شد و بیان گردید، اخلاص این مراتب را دارد.

«والحمد لله رب العالمین»